



Application of scenario writing in political and security crises

Mehdi Gholizade ¹ | Ali Qadri Kochaki ²

Research Paper

Received:
29 December 2022
Revised:
21 February 2023
Accepted:
23 March 2023
Published:
29 May 2023
P.P: 113-138

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

Future research includes a set of efforts that visualize potential futures and plan for them by searching for sources, patterns, and factors of change or stability. Futurism reflects how the reality of "tomorrow" is born from the change (or stability) of "today". Futuristic topics include "possible", "probable" and "desired" types for transformation from the present to the future. This research is of an applied type in terms of research directions, because it examines the implementation models of crisis management foresight in the world and aims to provide a special classification to clarify the use of foresight models in crisis management. In this article, nine models of foresight in crisis management, which have a significant layout and approach, have been identified and analyzed in a comparative manner. In this way, in this article, an attempt was made to provide brief basics about future research. In this regard, the key concept of alternative futures in futurology emphasizes the importance that in futurology, instead of predicting a future, the focus is on drawing different futures of alternative futures. Also, the future has components that, by knowing each one of them, a general knowledge of the future will be possible. Examining the global and domestic trends of the effects of natural disasters shows that the life and financial effects of accidents are increasing on a wide scale in the world, and at the same time, the form and manner of accidents will have different effects than in the past.

Keywords: Future research crisis management knowledge management accident prevention

1. PhD in Future Studies, Imam Khomeini International University (RA), Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Master of Crisis Management, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran.
ghaderi.ali@gmail.com

Cite this Paper: Gholozade, M and Qaderi kochaki, A. (2023). Application of scenario writing in political and security crises. *Crisis Management and Emergency Situations*, 15(1), 113–138.

کاربرد سناریونویسی در بحران های سیاسی و امنیتی

مهدی قلیزاده زاوشتی^۱ | علی قادری کوچکی^۲

۱

سال پانزدهم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸
صص: ۱۱۳-۱۲۸

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۳۵۶۴
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۸۵



چکیده

در جهان متغیر کنونی عرصه ی سیاست و امنیت با دگرگونی های شگرفی روبه رو است. اما این دگرگونی به کدام سمت پیش می رود؟ کدام آینده را هدف گرفته است؟ چه کسی روندهای جاری در اجتماعات را طراحی کرده است؟ آیا منافع و مصالح ما نیز در این طراحی دیده شده است؟ بی شک آینده ی مطلوب جوامع گوناگون یکسان نیست. آینده پژوهی با ارائه تصویری از آینده موجب ایجاد درک سریعی از متغیرهای محیطی و پیش بینی تهدیدات و فرصت ها و احراز آمادگی های لازم می شود. هدف آینده پژوهی، ادراک و غلبه بر نیروهای درازمدت تغییر، جهت ارائه ی تصویرهای بدیل و مطلوب از آینده به منظور حفظ و گسترش رفاه و امنیت بشری است. آینده پژوهی از جمله مباحث نوینی است که در فضای عدم قطعیت حاکم و آشوبناک کنونی به خوبی پاسخگوی نیاز فضای مدرن است. آینده پژوهی در فرایند برنامه ریزی، مدیریت راهبردی و مدیریت ریسک کاربرد دارد و از طرفی امروزه در پیش بینی آینده نیز مورد استفاده است.

این مقاله با نگاهی به مدیریت بحران در حوادث سیاسی و امنیتی و تکیه بر مفاهیم آینده پژوهی و روش توصیفی، اکتشافی و نقش آنها در مدیریت بحران های سیاسی و امنیتی مورد بررسی قرار داده است و روش طراحی «سناریو های آینده» را به عنوان یکی از پرکاربردترین روش ها برای آماده شدن و کمک به برنامه ریزی و مدیریت بحران پیشنهاد می کند.

کلیدواژه ها: آینده پژوهی، مدیریت بحران، بحران های سیاسی و امنیتی، سناریو نویسی.

۱. دکترای آینده پژوهی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

Ghaderi.ali@gmail.com

استناد: قلیزاده زاوشتی، مهدی و قادری کوچکی، علی. (۱۴۰۲). کاربرد سناریونویسی در بحران های سیاسی و امنیتی. فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، ۱۱(۱)، ۱۱۳-۱۲۸.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان

مقدمه و بیان مسئله

اندیشیدن درباره آینده، مقوله‌ای تازه نیست؛ این مقوله پدیده‌ای جهان‌شمول است که می‌توان ریشه آن را در دوران پیش از تاریخ بشر نیز جست‌وجو کرد. در تمامی جوامع شناخته شده بشری، مردم در مورد زمان و آینده تصوراتی دارند. این برداشت‌ها، گرچه گوناگون به نظر می‌رسند، تأکید متفاوتی بر گذشته و آینده دارند و از حیث پرداختن به جزئیات در سطوح مختلفی قرار می‌گیرند اما، به هر حال، وجود چنین تصوراتی در تمامی جوامع بشری، واقعیتی انکارناپذیر است. (شوارتز، ۱۳۸۸: ۱۲)

کلی هدف آینده‌پژوهی، حفظ و بهبود سطح آزادی و رفاه بشر است که البته برخی آینده‌پژوهان، رفاه تمامی جانداران، گیاهان و زیست‌کره^۱ زمین را (نه تنها برای ارتقای سطح رفاه انسان‌ها بلکه فراتر از آن، به خاطر خود آن جانداران) به این هدف افزوده‌اند. بنابراین در کلی‌ترین سطح، هدف آینده‌پژوهان، تلاش برای تبدیل جهان به مکانی بهتر برای زندگی، سود رسانی به مردم و حفظ و گسترش آن دسته از ظرفیت‌های کره زمین است که به پایداری حیات در آن کمک می‌کنند. (وندل بل، ۱۳۹۱: ۲۶)

تنها چیزی که در دنیای امروز روشن و مشخص است این است که مدیران باید برای عدم اطمینان آماده باشند. بحرانها رویدادهای ناگواری هستند که می‌توانند باعث افول سازمان شوند. مدیرانی که در شناسایی بحران کوتاهی می‌کنند و هیچ برنامه ریزی برای آن ندارند، هنگام بحران دچار گرفتاریهای شدیدی خواهند شد.

بدون بهره مندی از منافع یک برنامه مدیریت بحران، مدیران دچار چالشهای زیادی در فرایند مواجهه با بحران خواهند شد. همچنین آنها باید فشار زیادی را از لحاظ احساسی و فیزیکی تحمل کنند. این هم درست نیست که گفته شود یک برنامه مدیریت بحران همه مسایل را حل خواهد کرد، اما در اکثر موارد، مواجهه با بحران با کمک یک برنامه مدیریت بحران، فشار ناشی از آن را حداقل قابل تحمل خواهد کرد. بدیهی است که در هر حال یک سازمان (اعم از اینکه برنامه مدیریت بحران داشته باشد یا نه)، چنانچه دچار بحران شود، راه‌گیزی از آن نخواهد داشت. (قلی

1. biosphere

پور، ۱۳۸۳: ۱۹) مدیران سازمان باید با بحران روبرو و بر آن چیره شوند. آنها باید میزان حمایت مردم و همچنین دارائیهای ارزشمند سازمان شامل دارائیهای ناملموس نظیر حسن نیت و تصویر ذهنی از سازمان را اندازه گیری کنند. از همه مهمتر، آنها باید در مقابل بحران با شجاعت، اراده محکم و تعهد، متانت و پشتکار واکنش نشان دهند. مدیریت خوب بحران می تواند تا حد زیادی باعث تسهیل در مواجهه با بحران و رهایی از خطر شود. متأسفانه مدیران ضعیف ممکن است بحران را خوب درک نکنند و سازمانهای خود را در معرض خطرات بیشتری قرار دهند. (بابایی، ۱۳۸۳: ۵۵)

بدیهی است که مدیران نمی توانند در برابر همه نوع بحران آمادگی داشته باشند. با این حال اگر آنها به مدیریت بحران به عنوان یک بخش جدانشدنی از مسئولیت مدیریت استراتژیک خود معتقد باشند، احتمال اینکه سازمانهایشان گرفتار بحران شود تا حد زیادی کاهش می یابد. توجه به مدیریت بحران و ارتباط آن با برنامه ریزی تکنیکی و عملیاتی بسیار مهم است. در تحلیل نهایی مدیریت بحران ضامن بقا و شکوفایی بلندمدت یک سازمان است. (رضائیان، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

پیش بینی روندهای آینده ایران بسیار دشوار است به دلیل اینکه در منطقه خاورمیانه تحولات بین المللی شتاب بسیار بالایی دارد و یکی از بی ثبات ترین مناطق جهان است که برخلاف بسیاری از دیگر مناطق در حال توسعه جهان همچنان فضای امنیتی در این منطقه باقی مانده است. مسائل نشده هویت، اصالت و مشروعیت همچنان رودرروی مردم خاورمیانه است. درجهانی که دچار تحولات شتابان است مشخصه منطقه خاورمیانه بحران های سیاسی و امنیتی، عدم قطعیت اقتصادی و تحول اجتماعی است. (دنی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۸)

مدیریت بحران های سیاسی و امنیتی به عنوان نهاد مسئول و مؤثر در حوزه امنیت، باید همچون یک دیده بان، متغیرهای محیطی را ببیند و بتواند آنچه را پیش رو است، پیش بینی نموده و چند گام از زمان خود جلو باشد؛ و بایستی با دید وسیع نسبت به آینده، توان و مهارت بررسی آینده را کسب کند. (مظفری، ۱۳۸۸: ۲)

مدیریت بحران نیز می تواند در پرتو آینده پژوهی، خلاقیت، ابداع و سیاستهای نوآورانه، پیشگام به سوی چشم اندازی مطلوب باشد. مقاله حاضر در پی آن است تا با استفاده از مطالعات

صورت گرفته، دیدگاه صاحب نظران و حاصل هم‌اندیشی‌ها، ضمن ارائه‌ی تعاریف، ضرورت و فایده‌ی آینده‌پژوهی، به مبانی و اهداف، دامنه‌ی موضوعی، جایگاه و بسترهای مناسب آن و ویژگی‌های آینده‌پژوهان پردازد. (مظفری، ۱۳۸۸: ۲)

تهدیدکننده‌ها و مخلان نظم و امنیت در آینده، صرفاً از لایه‌های ارادل و اوباش اجتماعی نیستند؛ بلکه احتمالاً از متخصصان، مبتکران، هوشمندان و روشن‌فکران نیز با کمیتی قابل توجه در بین آنها خواهند بود؛ که فعالیت‌های مجرمانه و شبکه‌ای را مهندسی خواهند کرد. همان‌طور که آهنگ تغییرات اجتماعی روند تندتری به خود می‌گیرد، پیچیدگی مسائل پیش‌رو نیز افزایش خواهد یافت؛ و چنانچه مدیریت بحران، تفکر آینده‌نگر نداشته، سرمایه‌های انضباطی جامعه را برآورد نکرده، و به موقع و ماهرانه پیش‌بینی آن شرایط را ننماید، غافلگیر شده و در کنترل دوران آشوب و ناامنی، کارآمد نخواهد بود. (مظفری، ۱۳۸۸: ۳)

اصولاً، جامعه برای فائق آمدن بر مشکلات امنیتی و دستیابی به توسعه پایدار در آینده، باید به تفکری علمی‌تر، ابتکاراتی سازنده‌تر، مدیریتی قوی‌تر، فرهنگ و هنجارهایی مطلوب‌تر و البته مدیری بحران کارآمدتر از امروز مجهز شود.

مدیریت بحران برای پیشروی به سوی چشم‌انداز مطلوب در آینده، ناچار به درک سریع متغیرهای محیطی و پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌ها به منظور احراز آمادگی‌های لازم است؛ موقعیت‌هایی که برای وقوع در آینده به انتظار آمادگی ما نمی‌مانند. برای نیل به قابلیت‌های لازم در آینده نمی‌تواند و نباید صرفاً به تولیدات علمی، نظری و تکنولوژیکی دیگر کشورها چشم امید بدوزد؛ بلکه بایستی ابتدا اصول و راهبردهای مبتنی بر مکتب، فرهنگ و مقتضیات جامعه خود را بشناسد، و برای انجام مأموریت در شرایط پیچیده جامعه آینده، خیز عبور از مرزهای دانش امروز را برداشت. (مظفری، ۱۳۸۸: ۳)

آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی امنیتی، آینده را به کمک امروز آورده و مبنای تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در ساختار مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و تکنولوژیکی قرار خواهند گرفت.

آینده‌پژوهی، مطالعاتی بین‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای است و به تمام حوزه‌های فکری رفتاری جامعه مربوط می‌شود؛ اگرچه باید خود، به تخصص‌های مختلف تقسیم گردد. در هر

حال، آینده پژوهان بحران‌های سیاسی و امنیتی باید دارای خلاقیت، اطلاعات دینی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژی، هنر، علوم استراتژیک، قانون و برنامه ریزی باشند؛ و در رشته خود سرآمد باشند). مظفری، ۱۳۸۸: ۳)

کشف یا ابداع، آزمودن و ارزیابی، و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، اهداف آینده‌پژوهی به شمار می‌آیند. آینده‌پژوهان می‌خواهند بدانند که کدام پدیده‌ها امکان‌پذیر هستند (آینده‌های ممکن)، احتمال بروز کدام پدیده‌ها بیشتر است (آینده‌های محتمل) و کدام پدیده‌ها باید روی دهند (آینده‌های مرجح). به تعبیر تافلر آینده‌پژوهان سعی دارند با کاوش رؤیای پرادزانه آینده‌های ممکن، بررسی نظام‌یافته آینده‌های محتمل و ارزشیابی اخلاقی آینده‌های مرجح، انگاره‌هایی نو و بدیل از آینده بیافرینند. (شوارتز، ۱۳۸۸: ۵۶)

برای کشف آینده‌های ممکن باید وضع موجود را با روش‌هایی جدید و متفاوت بررسی کرد؛ روش‌هایی که آگاهانه از قید و بند تفکر سنتی، رایج و معمول‌رهایی یافته باشند و از دیدگاهی که برای توده مردم غیرعادی و حتی ناخوشایند به نظر می‌رسد، به مسایل بنگرند. در این روش‌ها با تفکری خلاق و جانبی، واقعیت‌هایی دیده می‌شوند که دیگران از مشاهده آن‌ها ناتوان هستند؛ به این منظور، باید مسایل و مشکلات کنونی را نوعی فرصت برشمرد و غلبه بر موانع و کاستی‌های موجود را امکان‌پذیر دانست. این نوع تفکر نه تنها طرح پرسش درباره وضع موجود را در بر می‌گیرد، بلکه به پرسش‌گری درباره آنچه می‌تواند وجود داشته باشد نیز می‌پردازد؛ این رویکرد، بیش از هر چیز نیازمند بسط و گسترش حق انتخاب بشر است. (وندل بل، ۱۳۹۱: ۴۹)

احتمال‌های کنونی درباره آینده، واقعی هستند؛ قابلیت‌های کنونی افراد، گروه‌ها و به طور کلی جامعه برای تغییر و توسعه، صرف‌نظر از شیوه سرکوب یا ناشناخته ماندن احتمالی آن‌ها، واقعیت دارند. پتانسیل رشد و توسعه فردا، امروز وجود دارد و به همین دلیل می‌توان آن را بررسی کرد.

آینده‌پژوهی دانش فرا رشته‌ای است که برای بررسی آینده‌های بدیل و مهندسی هوشمندانه آینده مطلوب به کار می‌رود. نکته اساسی در فهم و کاربست آینده‌پژوهی در سطوح فردی، سازمانی، ملی و فراملی این است که تا آینده‌پژوهی به مثابه یک فرهنگ و کنش در جامعه پذیرفته نشود، امکان موفقیت اندکی دارد. به عبارت دیگر تا آینده‌پژوهی از قابلیت فردی به یک ظرفیت اجتماعی تبدیل نشود امکان معماری سازمان یا جامعه آینده نگر فراهم نخواهد شد. یکی از چالش

های عمده در این مسیر تبدیل تفکر و برنامه ریزی کوتاه مدت به بلندمدت در جامعه است. این مقاله سعی دارد علاوه بر ترویج و فرهنگ سازی آینده اندیشی به مثابه یک هنجار در سطوح جامعه علمی مدیریت بحران، آینده پژوهی را به عنوان یک حوزه دانش نوپدید در عرصه نظر و عمل بررسی کرده و بسترهای لازم برای استفاده از آن در مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی را فراهم سازد.

انسان تمایلی ذاتی به کشف آینده و ساختن آن دارد. این تمایل از حس کنجکاوی و نگرانی از سرنوشت ریشه می‌گیرد. آینده پژوهی پایه اصلی هر گونه برنامه ریزی به شمار می‌رود. با این وجود دوران جدید ویژگی‌هایی دارد که مطالعه قاعده مند آینده را بیش از پیش اجتناب ناپذیر می‌سازد. (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵)

پنج کارکرد مشخص برای مطالعه آینده برشمرده بود:

۱. شفاف سازی اهداف و ارزش‌ها؛
 ۲. توصیف روندها؛
 ۳. تبیین شرایط؛
 ۴. تصویرسازی از آینده‌های ممکن و محتمل در صورت تداوم سیاست‌های کنونی؛
 ۵. ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های بدیل سیاستی (برای دستیابی به اهداف مطلوب).
- (وندل بل، ۱۳۹۱: ۵۷)

اهداف آینده پژوهی را می‌توان به نه هدف عمده تقسیم کرد:

۱. بررسی آینده‌های ممکن؛
۲. بررسی آینده‌های محتمل؛
۳. بررسی تصویرهای آینده؛

۴. بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی؛
۵. بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی؛
۶. تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال؛
۷. تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی؛
۸. افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن؛
۹. ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن. (وندل بل، ۱۳۹۱: ۶۵)

دستاوردهای مهم آینده‌پژوهی:

۱. هشدار به جامعه درباره تغییرات آتی در محیط اطراف؛ تغییر در چگونگی تأمین انرژی و الگوهای اشتغال، مخاطرات زیست‌محیطی و پیشرفت در حوزه فناوری؛
 ۲. ایجاد و گسترش روش‌های پیش‌بینی کیفی و قضاوتی - مانند دلفی - که از وابستگی محض به داده‌های تاریخی می‌کاهد؛
 ۳. تشریح عدم قطعیت به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر و ذاتی در پیش‌بینی یا هر فرضیه دیگری درباره آینده، به جای مبارزه با آن؛
 ۴. ایجاد انگیزه برای ارزیابی دوباره اهداف و انتخاب‌ها، به ویژه خلق رویکردها و گزینه‌های جایگزین تازه برای مسایل و فرصت‌های در حال ظهور. (وندل بل، ۱۳۹۱: ۷۸)
- شهرها و استانهای کشور هیچگاه از بحران‌های سیاسی و امنیتی در امان نیستند. هر لحظه ممکن است، حادثه ای امنیتی یا سیاسی آنها را فرا گیرد و خسارتهایی چشمگیری نیز بر جای

گذارد. پاسخگویی و واکنش در برابر بخشی بزرگ از این بحران‌ها نیازمند داشتن آمادگی و سناریوهای مقابله است و تنها کسی که به خوبی می‌تواند این وظیفه خطیر را به انجام برساند، مدیر بحران آینده نگر است. برای واکنش موثر و هماهنگ در برابر این بحران‌ها، مدیران بحران باید علاوه بر توان مدیریت و به کارگیری مهارت‌های پیشرفته و نوین مدیریتی به آینده‌نگری نیز باید شناخت و احاطه کافی داشته باشد.

برای گام نهادن در ورطه آینده پژوهی مدیریت بحران و شناخت رابطه آینده پژوهی با مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی، مدیر بحران نخست باید مبانی و رویکردهای آینده پژوهی را بشناسد.

تعریف آینده پژوهی

رشته جدیدی پدید آمده که هدفش مطالعه منظم آینده است. این رشته گاهی اوقات (مطالعات آینده پژوهی)، (قلمرو آینده)، (تحقیقات پیرامون آینده)، (آینده پژوهی)، (یا پیش‌گویی) نامیده می‌شود. رشته آینده پژوهی هنوز جوان و در حال رشد است و بعضی از نویسندگان با واژه می‌گویند که این رشته آنقدر پراکنده و غیر منسجم است که هنوز نمی‌توان آن را یک رشته دانست. (بل، ۱۳۹۱: ۶۳)

بر اساس تعریف اسلاتر، آینده پژوهی عبارت است از یک ظرفیت بشری عام که فرد را قادر می‌سازد تا در باب آینده بیان‌دیشد و احتمالات آینده را بررسی، مدل‌سازی و خلق کرده و در مقابلش واکنش نشان دهد. این توانایی بر پایه‌ی توانایی‌ی ای‌نظام‌ذهنی - عصبی مغز انسان بنا شده است که از پیوندهای رشته‌های عصبی به منظور انجام روش‌های پیچیده ادراک، که کاربرد تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده دارند، بهره می‌برد. (اسلاتر، ۲۰۰۵: ۱۹)

در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده‌پژوهی "علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" عنوان شده است. در این تعریف رسا، سه مؤلفه کلیدی وجود دارد. اول آنکه آینده‌پژوهی تنها یک علم صرف نیست، بلکه تلفیقی از علم و هنر است. مؤلفه مهم دیگر اشاره به "کشف آینده" است، در واقع در اینجا تأکید بر شناسایی و کشف آینده بر مبنای روابط علی و معلولی معینی می‌باشد. اینجا سخن از حدس و گمان بر مبنای جهل و

ناآگاهی نیست، بلکه شناخت بر اساس روند داده‌های گذشته، شناسایی سیگنال‌هایی تغییر کنونی و وضعیت‌های محتمل و قابل رخ دادن در آینده است. مؤلفه سوم و بسیار حائز اهمیت در این تعریف "شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" است. این مؤلفه کلیدی نشان‌گر آن است که آینده‌پژوهی در صدد است تا پا را فراتر از پیش‌بینی و کشف آینده‌گذارده و بر شکل دادن به آینده تأکید نماید؛ آینده‌ای که مدنظر و مطلوب برنامه‌ریزان آن باشد، به دیگر سخن، ساختن آینده به گونه‌ای که مطلوب و دلخواه است. (وحیدی مطلق، ۱۳۸۱: ۱۰)

همان‌گونه که عنوان شد، آینده‌پژوهی گونه‌ای از علوم نرم است. این حوزه از دانش، به موضوع فناوری^۱ نیز ورود پیدا کرده است و دارای محصولات خاص با طراحی پیچیده و کارآمدی بالا است. امروزه از آینده‌پژوهی انتظار می‌رود پا را از کشف آینده فراتر گذارد و به "مهندسی هوشمند آینده"^۲ پردازد. مطمئناً ملتی که به مرزهای جهانی این دانش برسد، می‌تواند امیدوار و بلکه مطمئن به توسعه سایر فناوری‌ها نیز باشد. (بل، ۱۳۹۱: ۴۲)

دو رویکرد اساسی در علم آینده‌پژوهی وجود دارد. رویکرد اول را اصطلاحاً "پیش‌بینی"^۳ می‌نامند. این رویکرد به دنبال شناسایی آینده و نه صرفاً پیش‌گویی^۴ آن است. در این خصوص عنوان می‌شود که ارزش پیش‌بینی در سودمندی آن است، نه در تحقق آن. همچنین در جهت پیشبرد اهداف این رویکرد - که همزمان با شکل‌گیری علم آینده‌پژوهی، ظهور یافت - بیش از یکصد تکنیک توسعه یافته است. رویکرد دوم که در چند دهه اخیر به آن توجه ویژه‌ای شده است و در جایگاه بسیار مهمی قرار دارد "آینده‌نگاری"^۵ است. در این رویکرد، پارادایم اصلی، شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. لذا آنچه در قبال آینده مهم است، تعالی آن است و نه پیش-بینی آن (خزایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴).

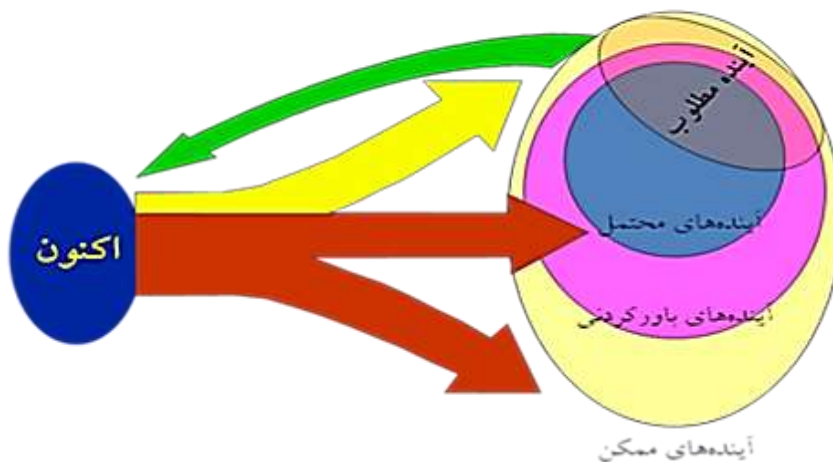
- 1 Technology
- 2 Intelligent Future Engineering
- 3 Forecasting
- 4 Predict
- 5 Foresight

اهداف مطالعات آینده پژوهی

هدف عمده آینده پژوهان، حفظ و گسترش بهروزی و رفاه بشریت و ظرفیت‌های ادامه حیات بر روی کره زمین است. این هدف را مشخصاً با کاوش‌های منظمی که به منظور کشف انتخاب‌های مختلف برای آینده صورت می‌گیرد دنبال می‌کنند. (اسلاتر، ۲۰۰۵). از دیگر اهداف مطالعات آینده پژوهی، پرداختن به زمان حال است. اولاً عملی که در زمان حال اتفاق می‌افتد همان چیزی است که به آینده شکل می‌دهد. ثانیاً تفکر راجع به آینده، نقش شناخت موقعیت را ایفا می‌کند. یعنی به ما یاری می‌دهد تا موقعیت خود را در زمان حال تشخیص داده و بدانیم الان در کجا قرار داریم. ثالثاً نتایج آینده پژوهی به افراد این امکان را می‌دهد که خواسته فعلی خود را با خواسته آتی سنجیده و سبک و سنگین نمایند (اسلاتر، ۲۰۰۵: ۴۵).

آینده پژوهی رشته‌ای است مستقل که به شکلی روش‌مند به مطالعه آینده می‌پردازد. این رشته تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماییم. این تصاویر در سه مقوله طبقه‌بندی می‌شوند: آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل و آینده مطلوب. (ناظمی، امیر، ۱۳۸۵: ۳۷)

آینده پژوهی



شکل ۱: تعریف آینده پژوهی

«وندل بل» یکی از بهترین متفکران این حوزه، آینده پژوهی را به این شکل تعریف می‌کند: «رشته‌ای مستقل بشمار می‌رود که هدفش مطالعه منظم آینده است. آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جابجایی به آینده فراروی انسان‌ها قرار می‌دهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند.» (وندل بل، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

هدف آینده‌شناسان ابداع یا استخراج، بررسی، ارزیابی و نهایتاً ترسیم تصویری روشن از آینده ممکن، محتمل و بهتر است. اینکه آینده چگونه می‌تواند باشد؛ احتمالاً چگونه خواهد بود و چگونه باید باشد. طرح چستی دیدگاه‌های آینده‌نگر به جوامع بشری امکان می‌دهد تا فرایند تصمیم‌گیری سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های اقدام اجتماعی را به گونه‌ای روزافزون عقلایی کنند. (علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۳)

با توجه به این ملاحظات، آینده پژوهی با هر درجه‌ای از اعتبار، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. امروزه مطالعات آینده‌نگری و پیش‌بینی روندها و رویدادها به صورت چشم‌انداز ذهنی و عینی جوامع مختلف درآمده است و بسیاری از کشورهای دنیا مؤسسه‌های مطالعاتی خاصی برای این کار ایجاد کرده‌اند. بر اثر توجه اندیشه‌ورزان به آینده‌نگری، پیش‌بینی یکی از اجزای معرفت به شمار می‌آید. در واقع، توانایی پیش‌بینی کردن صحیح، برجسته‌ترین کیفیت به شمار می‌رود (کینی، ۱۳۸۱: ۱۸).

آینده پژوهی، علم و دانشی است که بدنال شناخت و پیش‌بینی آینده بر اساس روش‌های علمی و معقول آماری یا تحلیلی است. در فرآیند آینده پژوهی بر اساس رفتارهای گذشته و موجود و تجزیه و تحلیل عوامل مختلف و تاثیرگذار و با تکیه بر روش‌های علمی، به پیش‌بینی و شبیه‌سازی آینده پرداخته و همچنین برنامه‌ریزی برای مدیریت برآینده صورت می‌پذیرد. (علیزاده، ۱۳۸۷: ۷)

در آینده پژوهی فرصت‌ها و تهدیدات آینده و موقعیت‌های مختلف و همچنین مناسبت‌ها و شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورها و ملت‌ها قابل پیش‌بینی می‌گردد، از علم آینده پژوهی بعنوان مهندسی آینده و مدیریت هوشمندانه برآینده نیز یاد می‌شود.

ضرورت و اهمیت آینده‌پژوهی مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی

امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب تر رخ می‌دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته‌است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت‌ها، کسب و کارها، سازمان‌ها و مردم ایجاد می‌کند.

آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامهٔ «تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد.

۱- تاثیر آینده‌پژوهی در بازدارندگی بحران‌های سیاسی و امنیتی

۲- نقش و تاثیر آینده‌پژوهی در پیش‌بینی فناوری‌های نوین و تاثیر آن‌ها در

ایجاد بحران‌های سیاسی و امنیتی

۳- کسب آگاهی و هوشمندی در مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی اساسی

کشور

۶- کمک به ارتقاء و میزان آمادگی مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی

۷- نرخ سریع تغییرات در دنیای امروزی، تنوع زیاد در حوزه‌های مختلف، عدم

قطعیت آینده، ناملايمات اجتماعي و سياسي

مدیریت بحران

مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی از مقوله‌های مهم هر حکومتی می‌باشد و امروزه گسترش فوق‌العاده وسایل ارتباط جمعی و تبادل بی‌حد و مرز اطلاعات، ظهور ابر کامپیوترها، ماهواره‌های اطلاع‌رسانی و تجزیه‌گر، اطلاعات و داده‌ها را بصورت سرسام‌آور به حوزه‌های

مختلف کشانده است. بدون شک آگاه نبودن نسبت به تجزیه و تحلیل پدیده های علمی امکان هر گونه تصمیم گیری بموقع را در انتخاب خط مشی واقع بینانه در موقعیت حاضر مشکل می سازد. بنابراین آشنایی با روشهای تحلیل آینده پژوهی در سطوح مختلف ضروری و قابل توجه است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸)

این شیوه تحلیلی می کوشد تا تصورات و مفاهیمی را که در سیستم مطرح است، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا بتواند به تعریف و توصیف روشن مفاهیم برسد و همبستگیهای میان مفاهیم مختلف را کشف، و در مورد بعضی از نتایج کاوش کند.

تعریف بحران

یک لحظه تعیین کننده، مقطع حیاتی، نقطه برگشتن برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت به وجود آمدن شرایط غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می گردد.

بحران، حادثه ای است ناگهانی، همراه با آسیب های گسترده مالی یا جانی و ایجاد مشقت و سختی برای یک مجموعه یا یک جامعه انسانی که برای برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق العاده میباشد. بحران، بروز ناگهانی نیرو یا مجموعه ای از نیروهای مخالف و غیر قابل پیش بینی است که بنیاد و محوریت یک حرکت هدفمند را تحت تأثیر مخرب خود قرار می دهد و در صورت عبور نکردن از آن، صدمات جبران ناپذیری بر اساس حرکت وارد می آورد.

بحران مجموعه رخدادهایی است که در وضعیت جاری ایجاد تغییرات وسیع و گسترده می کند و نظم کنونی را تخریب می کند. در این تعریف بحران امری ویرانگر قلمداد شده است اما امروزه بحران لزوماً امر مذمومی نیست بلکه می توان از بحران به عنوان یک ابزار و امکان رشد و ارتقا استفاده کرد. آنچه مهم است بحران نیست، بلکه مدیریت بحران اثربخش است که فرایند آن در شکل زیر نشان داده است. در مرحله اول مدیریت بحران بحث از پیش بینی در خصوص بروز آن است که این مرحله حساس ترین گام می باشد و ارتباط کامل با بحث آینده پژوهی را دارد.

در مورد بحران سه دیدگاه متمایز وجود دارد:

الف) دیدگاه سنتی: این دیدگاه اساساً بحران را یک وضعیت و پدیده منفی و نامطلوب می‌داند که به هر نحوی باید از آن پرهیز کرد. بر اساس این نگرش، بحران‌ها دارای ماهیت کاملاً مخرب و بازدارنده‌اند. (روشندل، ۱۳۸۷)

ب) دیدگاه قانون طبیعی: طرفداران این دیدگاه، بحران را جزئی از طبیعت زندگی بشری می‌دانند که خواه یا ناخواه رخ می‌دهد. نگرش این دسته نیز همچنان یک نگرش منفی نسبت به بحران است با این تفاوت که برخلاف دیدگاه اول سعی در انکار و اجتناب از بحران ندارد، بلکه نسبت به آن موضعی کاملاً منطقی دارد. (روشندل، ۱۳۸۷)

ج) دیدگاه تعاملی: این دیدگاه نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به بحران دارد و برخلاف دیدگاه‌های قبل به بحران به دیده مثبت می‌نگرد و معتقد است نه تنها نباید آن را نفی یا انکار کرد، بلکه در مواقعی نیز باید به استقبال آن رفت. برخلاف دیدگاه اول که سکون و ثبات و دیدگاه دوم که مقابله و واکنش است، دیدگاه تعاملی دیدگاه پویایی، تغییر و تحرک اجتماعی است و بر همین اساس بحران‌ها را بخشی از دیالیتیک اجتماعی می‌داند که برای رشد و توسعه جامعه لازم و ضروری هست. به هر حال دیدگاه تعاملی کاملاً نگاهی مثبت به بحران دارد و بحران را صحنه تعامل میان عناصر و عوامل مختلفی می‌داند که نتیجه کلی در جهت نوعی نظم و تعادل و پویایی حرکت می‌کند. (روشندل، ۱۳۸۷)

بحران‌های سیاسی و امنیتی

جوامع به طور مستمر در حال پیچیده‌تر شدن بوده و در تعمیق مسائل، گرفتاری‌ها و معضلات مبتلا به در حال حرکتند. به همین دلیل علیرغم آن که مدل‌های مدیریت بحران به کمک رهبران و مدیران آمده‌اند اما احاطه بر بحران و انجام اثربخش فرایند مدیریت بحران به آسانی حاصل نمی‌گردد. صیانت از جامعه در برابر بحران‌های سیاسی و امنیتی وظیفه اساسی دولت‌هاست. جمهوری اسلامی ایران همانند سایر نظام‌های سیاسی مورد تهدید انواع بحران‌های سیاسی و امنیتی است لذا اثربخشی مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی در ایران اهمیت حیاتی دارد به طوری که از جمله

مهم ترین مسائل راهبردی و تصمیمات استراتژیک کشور به شمار می آید. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸)

تعریف مدیریت بحران

فرآیند سیستماتیک، عینی و همه جانبه‌ی شناسایی، اولویت بندی، پیش بینی و پیش گیری از وقوع بحران، مداخله در بحران و سالم سازی بعد از وقوع بحران، به منظور برطرف کردن بحران یا محدود کردن عواقب ناشی از آن. فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، رهبری و کنترل فعالیتهای لازم برای پیشگیری و مداخله در بحران، به منظور جلوگیری از بروز بحران، بر طرف کردن بحران و سالم سازی بعد از وقوع بحران. (قلی پور، ۱۳۸۳)

مدیریت موثر بحران مجموعه ای از معیارهای پیش بینی شونده است که سازمان را به هماهنگی، کنترل و عکس العمل در مواقع اضطراری قادر می سازد. مدیریت موثر بحران به سازمان این فرصت را می دهد تا از فرصت ها بیشترین استفاده را نموده و خطرها را به کمترین میزان برساند.

امروزه مدیریت بحران یک بخش اساسی از مدیریت استراتژیک است. قبل از تعقیب هرگونه اهداف بلند، مدیریت بحران برای تضمین ثبات و موفقیت مستمر یک سازمان ضروری است. اساسا سازمانهایی که در معرض بحران قرار دارند به آمادگی بیشتری در برابر آن نیاز دارند. مدیریت بحران موثر نیازمند یک رویکرد منظم و نظام مند است که مبتنی بر هوشیاری، حساسیت مدیریتی و یک درک خوب از اهمیت برنامه ریزی دقیق و آمادگی سازمانی است. (رضائیان، ۱۳۸۳)

بر اساس سه نوع دیدگاه موجود در زمینه بحران سه نوع رویکرد را در مدیریت بحران می توان شناسایی کرد:

الف) رویکرد بحران گریزی: در این رویکرد مدیران از راهبردهای انفعالی و واکنشی در قبال بحران ها استفاده می کنند. آن ها هیچ گونه آمادگی قبلی و برنامه مشخصی برای مقابله با بحران ها ندارند و در مواجهه با آن منفعلانه عمل می کنند و برنامه ریزی بلند مدت ندارند و تا زمانی که

فشار افکار عمومی را در شرایط بحرانی احساس نکنند به واکنش نمی پردازند یا هنگامی که تهدیدی در ارتباط با خود و سازمان خود در موقعیت بحرانی ببینند، اقدام می کنند.

(ب) رویکرد بحران ستیزی: در این رویکرد از بحران نمی گریزند بلکه با پذیرش آن به عنوان قانون طبیعی با نوعی راهبرد فعال به مواجهه و مقابله با بحران می پردازند. مدیران و سازمان‌هایی که نسبت به بحران چنین رویکردی دارند از تمامی توان و ظرفیت‌های خود برای پیش‌بینی بحران قبل از وقوع و مقابله موثر با آن در صورت وقوع بهره می‌گیرند. چنین مدیرانی به محض وقوع بحران وارد صحنه عمل می‌شوند و فعالانه در جهت کنترل و مهار آن بر می‌آیند.

(ج) رویکرد بحران‌پذیری: در این رویکرد علاوه بر پذیرش بحران به عنوان یک امر محتوم به پیش‌بینی و استقبال از آن نیز می‌پردازند، به عبارتی با اتخاذ یک راهبرد فوق‌فعال بر کشف فرصت‌های جدید و چشم‌اندازهای نو برای رشد و پویایی تاکید می‌شود. چنین سازمان‌هایی ویژگی‌های ساختاری خاصی نظیر خلاقیت، انعطاف‌پذیری، تمرکز و رسمیت پایین به خود می‌گیرند. بر اساس راهبرد فوق‌فعال هر بحرانی ممکن است فرصت‌هایی را با خود به همراه داشته باشد لذا باید مترصد بحران‌ها بود و از قبل پیش‌بینی‌ها و آمادگی‌های لازم برای مواجهه با آنها پیدا کرد تا در صورت بروز بتوان در راستای فرصت‌آفرینی از آن‌ها بهره‌برداری کرد.

در راهبرد فوق‌فعال نه تنها مدیران تابع شرایط بحرانی نیستند و در صدد انطباق با آن بر نمی‌آیند بلکه به تطبیق شرایط با اهداف و مقاصد خود می‌پردازند و پیشرو عمل می‌کنند. چنین مدیرانی به خوبی از آینده‌پژوهی بهره‌می‌برند و طراحی سناریوهای بحران‌ها را به فرصت‌ها تبدیل می‌کنند. (روشندل، ۱۳۸۸)

سناریو نویسی در مدیریت بحران

سناریوپردازی اولین بار توسط موسسه رند در دهه ۱۹۵۰ معرفی شد. کوتاه‌ترین و شیواترین تعریف سناریو را (وندل بل ۲۰۰۳: ۳۱۷) بیان کرده است که سناریوها را محصول روش‌های آینده‌پژوهی می‌داند. وی بر این باور است که، تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه‌ی سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند برخی سناریو را توصیف از وضعیت آینده و مجموعه‌ای از رخدادهایی که آن وضعیت را به وجود می‌آورند تعریف می‌کنند.

سناریوپردازی، مجموعه گام‌هایی است که یک فرد یا سازمان می‌تواند طی کند تا آینده‌های ممکن را در جهت اخذ تصمیم‌گیری راهبردی زمان حال بررسی کند (ون در هیجن ۳، ۲۰۰۵). امروزه کاربرد سناریو در طیف وسیعی از موقعیت‌ها صورت می‌گیرد؛ ارزیابی محیط جهانی (ون نویتن و همکاران، ۲۰۰۳)، سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌سازی سیاسی، محیط‌های کسب و کار (شوارتز، ۱۹۹۱).

از جمله روش‌های موثر برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در شرایط عدم قطعیت سناریونگاری است. این روش به واحدهای تحلیل کمک می‌کند که علاوه بر تهیه برنامه‌ریزی‌های متعدد برای رویدادهای غیرمترقبه، جهت‌گیری درستی نسبت به سیر رویدادهای آینده داشته و بنابراین موضوعات مهم و درستی را در کانون توجه خود قرار دهند، بعلاوه سناریوها به عنوان ابزاری موثر برای یادگیری با تفکر درباره سناریوهای آینده، کمک می‌کند تا سازمان‌ها نسبت به منطقتغییرات، نیروهای پیش‌ران، بازیگران و عوامل کلیدی و موثر در محیط فعالیت خود درک بهتری کسب کرده و پتانسیل تأثیرگذاری خود را بهتر تشخیص دهند. (لیندگرن و یاند هولد: ۱۳۸۹)

انواع مختلف سناریوها

- سناریوها می‌توانند انواع مختلفی داشته و بر اساس معیارهای مختلف تقسیم بندی شوند:
- سناریوهای استاتیک: ارایه یک تصویر لحظه‌ای از آینده
 - سناریوهای پایین به بالا (استقرایی): حرکت از نیروهای پیش‌ران، تخمین روندهای احتمالی و تعیین آینده‌های ممکن.
 - سناریوهای بالا به پایین (قیاسی): تعیین آینده‌های ممکن، بازگشت از آینده و تعیین مسیر تحقق آن آینده.
 - سناریوهای تخصصی: که نگاه و دامنه محدودتری دارد (ریب‌نیتز، ۱۹۸۸: ۵).
 - سناریوهای جهانی: که شامل رویکردی کل‌گرا و جهان‌شمول‌تر است.
 - سناریوهای کرانی (انتهایی پیشنهاد آینده‌های کاملاً متفاوت که آگاهانه بسیار متفاوت و برای پوشاندن نقاط کرانی پیشنهاد شده است (گودت، ۱۹۷۹: ۱۵).

- سناریوهای روند مبنا: بر اساس تحلیل روندها و پیشران‌ها و نقاط مختلف تصمیم‌گیری محتمل‌ترین و ممکن‌ترین آینده‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- سناریوهای فرایندی: ارایه زنجیره‌ای از عوامل علت معلولی که به یک رخداد خاص منجر می‌شود.

در مورد سناریو پردازی روش‌شناسی‌های مختلفی ارایه شده است. از دیدگاه هاس و هونتون، دو محقق برنامه‌ریزی شرکت‌ها و سازمان‌ها، به‌طور فزاینده‌ای از تحلیل سناریوها استفاده می‌کنند، که هدف اصلی آن پیش‌بینی آینده‌های ممکن است و تشخیص شرایطی است که منتهی به تغییرات بنیادین می‌شود. تحلیل سناریوها برخلاف روش‌های سنتی (که عمدتاً "بر برون‌یابی گذشته استوار هستند) باعث تشویق برنامه‌ریزان شرکت‌ها برای تفکر گسترده‌تر و خلاقانه‌تر نسبت به آینده می‌شود. رویکردهای کلی سناریوها عبارتند از:

۱- رویکرد کشف از راه دل یا منطق شهودی

۲- رویکرد تحلیل تأثیرات روندها

۳- رویکرد تحلیل تأثیرات متقابل

۴- رویکرد لاپراسپکتیو

۵- رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی

۶- تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها

۷- رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه فرض

پاول شومیکر، یک فرایند ۱۰ مرحله‌ای را برای سناریوپردازی معرفی می‌نماید (شومیکر، ۱۹۹۵)، که بر مشارکت ذینفعان و توسعه سیستم‌های کمی را در گام‌های تشریح کرده است. فرآیندها و گام‌های سناریوپردازی از منظری دیگر (سیرس و همکاران، ۲۰۰۴) در ۵ مرحله تبیین می‌گردد، و بر استلزامات و اقدامات راهبردی و پایش شاخص‌های پیشرو (هادی) در گام‌های نهایی تشریح شده‌اند. رینگ لند (۲۰۰۲) مراحل سناریوپردازی را این‌گونه عنوان کرده است:

گام اول: شناسایی فاکتورهای کلیدی.

گام دوم: پرتوافکنی آینده‌های متعدد

گام سوم: ترکیب آینده‌های متعدد در چند سناریوی محدود و معدود

گام چهارم: تحلیل، نگاشت و تفسیر سناریوها

ون ریب نتز (۱۹۸۸: ۶۵-۱۳) هشت مرحله را برای سناریوپردازی مشخص کرده است.

- تحلیل وضعیت موجود
- تحلیل نفوذ/تاثیر (عوامل تاثیرگذار)
- تحلیل مسیر آینده (توصیف دقیق وضعیت کنونی و آتی هر کدام از عوامل تاثیرگذار)
- گروه‌بندی
- تفسیر سناریوها
- تحلیل پیامدها و عواقب (شناسایی فرصت‌ها و مخاطرات هر سناریو)
- تحلیل رخدادهای مخرب شامل احتمال وقوع و تاثیرات مثبت و منفی
- تبدیل سناریو (تهیه استراتژی‌های اصلی).

با بررسی‌روش‌های مختلف، فرآیندهای و مراحل زیر کمابیش در روش‌های متفاوت دیده شده است که به صورت بالقوه قابلیت استفاده در طراحی سناریوهای برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی را دارند.

- بنا نهادن یک گروه سناریوپردازی شامل تصمیم‌گیران کلیدی و ذینفعان اصلی.
- مشخص کردن سوال یا مساله اصلی که باید به آن پاسخ داده شود.
- تعیین افق زمانی
- شناسایی تمایلات و روند تغییر تمایلات ذینفعان اصلی
- نگاشت روندهای پایه‌ای و نیروهای پیشران
- شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی
- گروه بندی نیروهای پیشران، با تقلیل و تجمیع نیروهای پیشران که به هم مرتبط هستند می‌توان به تعداد محدود و معدودی سناریو رسید.
- تعریف و تدوین سناریوهای معدود معمولاً بین ۳ تا ۴ سناریو
- ارزیابی سناریوها بررسی صحت، اعتبار، ارتباط با هدف/مساله تصمیم

بر مبنای ماهیت بحران‌های سیاسی و امنیتی روش عدم قطعیت بحرانی بیشترین انطباق را با حوزه سناریوهای مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی را دارا می‌باشد. در ادامه این روش به اختصار تشریح و تحلیل شده است. پیتر شوارتز در کتاب هنر دورنگری، گام‌های برنامه‌ریزی بر پایه سناریو را به شرح زیر توصیف کرده است (شوارتز، ۱۹۹۱).

گام اول: شفاف‌سازی تصمیم، رهبر یا مدیر سازمان باید درک درستی از انتخاب‌های خود داشته و بداند که در آینده نزدیک و در حال تکوین باید چه موضوعات مهمی را در دستور کار خود قرار دهد.

گام دوم: بدست آوردن و جمع‌آوری اطلاعات، هنگام تدوین سناریوها، روایت‌داستان‌هایی که دانش کنونی مردم را نسبت به محیط پیرامونی افزایش داده و در ضمن نگرش آن‌ها به واقعیت‌های جهان آینده را به چالش کشد، ضروری است. بنابراین فرایند تدوین سناریو لزوماً شامل بدست آوردن و جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد. پس از جمع‌آوری اطلاعات طراحان می‌توانند سوالات اساسی را مطرح کنند. یک طراح سناریو باید به صورت همزمان بر روی موضوعات کلیدی و مهم و نیز رویدادهای غیرمنتظره احتمالی تمرکز کند.

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران کلیدی، سومین فعالیت هنگام تدوین سناریوها، جستجوی نیروهای پیشران کلیدی است که عوامل کلیدی موفقیت را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

گام چهارم: آشکار سازی عناصر نسبتاً معین، که به زنجیره رویدادهای خاص وابسته نیستند، شالوده توسعه سناریوها و منطق حاکم بر آن‌ها می‌باشند. مانند رشد جمعیت یک کشور.

گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی، در هر طرحی، عدم قطعیت‌های بحرانی مختلفی وجود دارند و وظیفه اصلی هر طراح سناریو جستجو و یافتن آن‌هاست.

گام ششم: تدوین سناریوها، براساس فرض‌های مربوط به عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های بحرانی و چگونگی رفتار نیروهای پیشران کلیدی می‌توان سناریوهای مختلفی را تبیین و تدوین کرد. در واقع سه محور مذکور چارچوبی مفهومی برای اکتشاف آینده‌های ممکن متعدد فراهم می‌آورند. هنگام تدوین سناریوها بهتر است از گروهی افراد که در شرکت، سازمان یا دولت مسوولیت تصمیم‌گیری ندارند، استفاده شود. هر یک از اعضای گروه تحقیق خود را انجام داده و سپس در جلسه‌ای مشترک به پرسش‌هایی همچون موارد زیر پاسخ می‌دهند:

- نیروهای پیشران کلیدی کدام‌ها هستند؟
- چه موضوعاتی نامشخص و مبهم هستند؟
- چه آینده‌هایی غیرقابل اجتناب هستند؟

هدف از این کار ترسیم نمودارها و انتخاب‌های مختلف برای تصمیم اصلی است. باید نمودارهایی ترسیم کرد که پویایی موقعیت‌های مختلف را به خوبی نشان داده و با تصمیم مدنظر ارتباط اثربخش‌تری داشته باشد.

گام هفتم: تحلیل تصمیم، پس از تدوین سناریوها باید به تصمیم‌های شناسایی شده در گام اول بازگشت. باید دید که عملکرد هر یک از تصمیم‌ها در هر یک از سناریوها چطور به نظر می‌رسند؟ نقاط ضعف و آسیب‌پذیر آشکار آن‌ها کدام است؟ آیا تصمیم‌های استراتژیک در همه سناریوها عملکرد خوبی دارند یا فقط در یک یا دو مورد از آن‌ها؟

گام هشتم: انتخاب شاخص‌های راهنما، پس از تدوین سناریوها و تحلیل تصمیم، باید شاخص‌های راهنما برای پایش مسیرهای آینده تهیه شوند. به کمک این شاخص‌ها می‌توان از ظهور و آشکار شدن هر یک از حالات محیط (سناریوها) به موقع آگاه شد و دریافت آینده نزدیک به کدام یک از سناریوها خواهد بود؟

«سناریوهای آینده»، متن‌های توصیفی از وضعیت ممکن در آینده نامعلوم است که از انسجام درونی منطقی برخوردار باشند. زمان و نحوه وقوع بحران کاملاً نامعلوم است و این عدم تعیین امکان برنامه‌ریزی به شیوه کلاسیک را ناممکن می‌سازد. استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی به ویژه تکنیک «سناریوهای آینده» برای آماده‌سازی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مدیریت بحران گزینه مناسبی خواهد بود. با استفاده از تیم بین رشته‌ای متشکل از متخصصان آینده‌نگاری، مشاوران مدیریت بحران و تیم نخبگان، سناریوهای آینده (شامل سناریوهای خوش بینانه و روال عادی) از منظرهای مختلف مانند ارتباطات، اقدامات عمومی و امنیتی، اطلاعات و برنامه‌ریزی و مانند آن، ترسیم شده و به صورت کتابچه‌ای در اختیار سیاستگذاران و برنامه‌ریزان قرار داده خواهد شد. این کتابچه علاوه بر سناریوها، شامل سرفصلهایی برای توصیه به مدیران در حوزه‌های مرتبط با مدیریت بحران می‌تواند باشد.

توجه به این نکته ضروری است که وقوع بحران سیاسی و امنیتی، با حالتها و شرایط گوناگونی امکانپذیر است؛ به عنوان مثال، فعال شدن جریان‌های مخالف داخلی، تنها یکی از این احتمالات است. در کشورهایی که سناریونویسی دارای پیشینه بیشتری است، نهادی برای ثبت احتمالات موجه وقوع سناریوها در نقاط مختلف کشور وجود دارد که در سناریونویسی، آن احتمالات به صورت پیش فرض در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال در ایالات متحده، این سناریوها در «national planning scenarios» ثبت شده است. از آنجا که در ایران چنین منبعی در دسترس نیست، یکی از این حالات گوناگون وقوع بحران به عنوان فرض در نظر گرفته می‌شود.

این سناریو ها، اصطلاحاً فضای سناریو های ممکن به وجود می‌آورند که امکان ارزیابی استراتژی‌های انتخابی مختلف توسط مدیران را در خود به وجود می‌آورد. به عبارتی در این پروژه، آزمایشگاهی برای راهبردهای انتخابی مدیران بخشهای مختلف مدیریت بحران برای مقابله با بحران طراحی و ساخته می‌شود.

دانستن هرچه سریعتر این موضوع که، کدام یک از چندین سناریوی نوشته شده، نزدیک‌تر به واقعیت در حال ظهور است، بسیار مهم می‌باشد. بعضی وقت‌ها جهت تاریخ، آشکار و واضح است. بخصوص، با توجه به عواملی بعضی وقت‌ها شاخص‌های راهنما برای سناریوهای نوشته شده می‌توانند ملاحظاتی در برداشته باشند.

وقتی سناریوهای مختلف پربار شده‌اند و مضامین آن‌ها برای موضوع اصلی مشخص شده است، در این هنگام، به منظور نظارت مداوم بر تحولات، صرف زمان برای تخیل و شناخت چند شاخص راهنما، ارزش دارد. اگر این شاخص‌ها با دقت و به طور تصویری انتخاب شوند، سازمان مورد نظر با دانستن این که آینده چه چیزی برای صفت مورد نظرش دارد و چطور آن آینده بر روی راهبردها و تصمیم‌های موجود در محیط تاثیر می‌گذارد.

نتیجه گیری

از آنجا که سناریو پردازی روشی است که در پاسخ به عدم قطعیت محیطی مطرح شده است و رشد یافته است. لذا روش برخورد سناریوپردازی با عدم قطعیت این است که حالات مختلف و متعدد محیط را در نظر می‌گیرد (تحت عنوان سناریو) و بر اساس حالات مختلف محیط،

گردد. مقاله حاضر با نگاهی به مدیریت بحران در حوادث سیاسی و امنیتی و تکیه بر مفاهیم آینده پژوهی و روش های اجرای آن، نقش آنها در مدیریت بحران های سیاسی و امنیتی مورد بررسی قرار داد و روش طراحی «سناریو های آینده» را به عنوان یکی از پرکاربردترین روش ها برای آماده شدن و کمک به برنامه ریزی و مدیریت بحران پیشنهاد نمود. طراحی سناریوهای آینده مبتنی بر چهار پایه روندها^۱، رویدادها^۲ (ضد روندها)، اقدام ها^۳ و تصویر های ما از آینده (چشم انداز)^۴ هستند.

-
- 1 trends
 - 2 events
 - 3 actions
 - 4 visions

فهرست منابع

- بابایی اهری، مهدی (۱۳۸۳)، مدیریت بحران های سازمانی، نشریه کمال مدیریت، شماره ۴ و ۵، بل، وندل (۱۳۸۴)، بازاندیشی در ارزشها و علیت در آینده، ترجمه علی بهادر، تهران، رهیافت
- بل، وندل، ۱۳۹۱، مبانی آینده پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش، علم انسانی برای عصر جدید، مترجم: مصطفی تقوی، مترجم: محسن محقق، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی
- پورعزت، علی اصغر و همکاران (۱۳۸۳)، طراحی سامانه بسیج امکانات ملی برای مواجهه مناسب با بحران هاب طبیعی و اجتماعی، نشریه کمال مدیریت، شماره ۴ و ۵
- خزایی، سعید و همکاران، (۱۳۸۸)، دیده بانی: مفاهیم، روش ها و پایگاه ها، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- دینی ترکمانی، علی، چشم انداز نظام اقتصاد بین الملل، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۱
- رضائیان، علی، ۱۳۸۳، الزامات مدیریت بحران، فصلنامه کمال مدیریت، سال دوم، شماره ۴ و ۵
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷)، نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از پدیده ای تهدیدساز به مقوله ای فرصت ساز، مجموعه مقالات اولین همایش رسانه ملی و مدیریت بحران، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- روشندل اربطانی، طاهر و همکاران (۱۳۸۸)، تدوین الگوی فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم
- ریچارد اسلاتر و همکاران، (۲۰۰۵)، نواندیشی برای هزاره نونین، انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- شوارتز، پیتر، ترجمه: عزیز علیزاده (۱۳۸۸)، هنر دورنگری: برنامه ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- عالی زاده، عبدالرضا، و همکاران (۱۳۸۸)، روش های آینده پژوهی، تهران، هنر رسانه اربیهشت
- علیزاده، عزیز، وحیدی مطلق، وحید، ناظمی، امیر، (۱۳۸۷)، "سناریونگاری یا برنامه ریزی برپایه سناریوها"، تهران: موسسه مطالعات بین المللی انرژی
- قلی پور، آرین (۱۳۸۳)، بحران مدیریت در مدیریت بحران، نشریه کمال مدیریت، شماره ۴ و ۵
- کینی، رالف، (۱۳۸۱) ترجمه وحید وحیدی مطلق، "تفکر ارزشی: راهی به سوی تصمیم گیری خلاق"، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی کرانه علم

ملکی فر، عقیل، و همکاران، (۱۳۸۵)، الفبای آینده پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا، تهران، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف)

ناظمی، امیر، قدیری، روح الله، (۱۳۸۵)، "آینده نگاری: از مفهوم تا اجرا"، تهران: مرکز صنایع نوین
لیندگرن، م. و یاندهولد، ه. (۱۳۸۹) "تدوین سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد"، ترجمه عزیز تاتاری، مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی.

Bell, Wendell. (2003) *Foundations of Futures Studies* (2th ed.), New Jersey: Transaction Publishers.

Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G. and Van Der Heijden, K. (2005) The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning, *Futures*, 37(8): 795-812.

Godet, M. (1979) *The Crisis in Forecasting and the Emergence of the Prospective Approach: With Case Studies in Energy and Transport*, translated by Pearse J D and H K Lennon, New York: Pergamon Press, p 4.

Scarce, D., Fulton, K. and the Global Business Network community (2004) *What If? – The Art of Scenario Thinking for Nonprofits*. Emeryville: Global Business Network.

Schoemaker, P. J.H. (1995) *Scenario Planning: A Tool for Strategic Thinking*, *Sloan Management Review*. 36(2): 25-40.

Schwartz, P. (1991) *The Art of the Long View*. New York: Doubleday.

Van Notten, P. W. F., Rotmans, J., van Asselt, M. B. A. and Rothman, D. S. (2003) An updated scenario typology. *Futures*, 35(5): 423-443.

Von Reibnitz, U. (1988) *Scenario Techniques*, Hamburg: McGraw-Hill.

